«وحدت اسلامی» بنا بر سنت اهل‌بیت(ع) مورد تأکید و توجه انقلاب اسلامی است.



به گزارش تسنیم، موضوع «وحدت اسلامی» و پیگیری تحقق آن، از همان ابتدای نهضت و زمینه‌سازی برای وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و بنا بر سنت ائمه اهل‌بیت (ع) مورد تأکید و توجه ویژه قرار گرفت.

بیش از یک قرن است که علمای پیشتاز نهضت اسلامی در عصر جدید، ضرورت وحدت بین صفوف مسلمین در جهان اسلام و در مقابل تجاوزات و دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه و سلطه جویی‌های استکبار جهانی را درک کرده و منادی آن در میان ملل اسلامی بوده‌اند. موضوع «وحدت اسلامی» و پیگیری تحقق آن، از همان ابتدای نهضت و زمینه‌سازی برای وقوع و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و بنا بر سنت ائمه‌ی اهل‌بیت (ع) مورد تأکید و توجه ویژه قرار گرفت و پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام اسلامی نیز به عنوان یکی از ارکان سیاست تحکیم وحدت ملی و وحدت بین ملل اسلامی و مقابله با سلطه‌جویی استکبار جهانی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های کلی نظام اسلامی و قوانین موضوعه تثبیت شد و ضرورت پیگیری و زمینه‌سازی تحقق آن نیز در بیانات حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، هر ساله و به مناسبتهای مختلف تبیین و گوشزد شده و در این امر نهاد سازی نیز صورت گرفته

است.

«وحدت و همگرایی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی» عنوان کتابی است که علیرضا برازش تألیف کرده و توسط نشر امیرکبیر و برای اولین بار در همین سال جاری منتشر شده است.

یکی از مزیتهای این کتاب دسته‌بندی کلی و جزئی خوب موضوعات است و دیگری حجم کم آن که خواندنش را برای مخاطبان بیشتری ممکن می سازد. کتاب ۸۰ صفحه دارد و بیانات رهبر انقلاب بدون دخل و تصرف و توضیح در کنار هم آورده شده‌اند. دسته‌بندی کلی کتاب در ۶ فصل صورت گرفته است: تعریف وحدت، اهمیت وحدت و همگرایی، موانع وحدت و عوامل تفرقه، راه های رسیدن به وحدت، ثمرات وحدت و همگرایی و در آخر هم منادیان وحدت.

بر همین اساس، بنا داریم در در هفته وحدت با محوریت این کتاب، به بیاناتی از رهبر معظم انقلاب را در این رابطه منتشر کنیم:

فصل اول

تعریف وحدت

اتحاد مسلمین به چه معناست؟
*در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست(1).

* اتحاد مسلمین به معنای انصراف مسلمین و فرق گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست(2).

وحدت اسلامی معنایش معلوم است

* امروز مسلمانان وحدت اسلامی را جدی بگیرند. وحدت اسلامی هم معنایش معلوم است. مقصود این نیست که مذاهب، در یک مذهب حل شوند. بعضی کسان برای اینکه اتحاد مسلمین را تحصیل کنند، مذاهب را نفی می‌کنند. نفی مذاهب مشکلی را حل نمی‌کند؛ اثبات مذاهب، مشکلات را حل می‌کند. همین مذاهبی که هستند، هر کدام در منطقه‌ی کار خودشان، امور معمولی خودشان را انجام دهند؛ اما روابطشان را با

یکدیگر حسنه کنند.(3)

اشتراکات شیعه و سنی در اصول اصلی اسلام

*اگرچه به نظر ما، اختلاف شیعه و سنی در حقیقت اختلاف نیست؛ زیرا در اصول اصلی اسلام ـ که اگر کسی آنها را نداشت، مسلمان نیست ـ مشترکند؛ یعنی هر دو مذهب، به قبله‌ی واحد، خدای واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد و احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند(4).

طواف گرد یک خانه، نماز به سوی یک کعبه، سنگباران یک نماد شیطان

* فرمان: «رُحماء بینهم» در قرآن به معنی ریشه‌کنی این ستیزه‌گری‌ها است، شما در این روزهای پرشکوه و در مناسبک گوناگون حج، مسلمانان را از همه جا و از مذاهب گوناگون، می‌بینید که گرد یک خانه می‌گردند؛ به سوی یک کعبه نماز می‌گزارند؛ نماد شیطان رجیم را با هم سنگباران می‌کنند؛ در نماد قربانی کردن تمنیات و هوسهای نفساتی به یک گونه رفتار می‌کنند؛ در میعاد عرفات و مشعر در کنار یکدگیر به تضرع می‌پردازند... مذاهب اسلامی در اصلی‌ترین و بیشترین فرائض و احکام و عقاید، به همین اندازه به یکدیگر نزدیک‌اند. با این حال، چرا باید تعصب‌ها و پیشداوری‌ها میان آنان آتش‌افروزی کند و دست خیانتکار دشمن، به این آتش خانمان‌سوز دامن بزند. امروز کسانی با کوته‌بینی و بی‌خردی، به بهانه‌های واهی، جماعت بزرگی از مسلمانان را مشرک می‌شمارند و حتی خون آنان را مباح می‌دانند. اینها چه بدانند و چه ندانند، در خدمت شرک و کفر و استکبارند. چه بسا کسانی که احترام به بارگاه پیامبر اعظم(ص) و اولیاء و ائمه دین(ع) را که تکریم دین ودینداری است، شرکت و کفر نامیدند اما خود در خدمت درگاه کافران و ستمگران درآمدند و به هدفهای پلید آنان کمک کردند(5).

اتحاد در بسیاری از اصول و فروع

*بدهی است دو تا مذهب در برخی از اصول، در برخی از فروع با هم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم با همه اتحاد دارند(6).

اما به همه‌ی مسلمین می‌گوییم در میان ما موارد مشترک، بیشتر و مهم‌تر و اساسی‌تر از موارد اختلاف است(7).

*ما متفقاً به یک اسلام، به یک کعبه، به یک پیغمبر، به یک نماز، به یک حج، به یک جهاد و به یک شریعت معتقدیم و عمل می‌کنیم. موارد اختلاف به مراتب کمتر از موارد وحدت و اتفاق نظر است(8).

* هر کس دارای هر مذهبی است، به عقاید و ارزش‌های خود احترام می‌گذارد و این حق اوست(9).

*مساله، مساله‌ی این نیست که شیعه یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند؛ نه، هر کسی عقیده‌ی خودش را دارد، هر کسی تابع استدلال است و به هر عقیده‌ای رسید، درست است. مساله این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه‌ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیافتند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند(10).

*«و تذهب ریحکم» یعنی چه؟ یعنی همین دیگر. وقتی اختلاف پیدا شد، وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی نسبت به هم سوءظن وجود داشت، وقتی یدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که با هم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر بکینم، با هم صیمیمی نخواهیم بود. این همان چیزی است که آن دشمن دنبال اوست. هم عالم شیعه، هم عالم سنی، باید این را بفهمند؛ این را درک کند. بدیهی است دو تا مذهب در برخی از اصول، در برخی از فروع با هم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم با هم اتحاد دارند. اما اختلاف به معنای دشمنی نیست. فتاوای فقهاهی شیع هدر مواردی صد و هشتاد درجه با هم اختلاف دارد. فتاوای ائمه‌ی اهل سنت در مواردی بسیار با یکدیگر اختلاف دارد؛ اما لزومی ندارد وقتی اختلاف دارد، انسان به همدیگر بدگویی کنند و فحش بدهند. خیلی خوب، او مذهبش این است، آن هم مذهبیش این است...(11).

*ما به فرقه‌های عالم اسلام نمی‌گوییم از عقاید مخصوص فرقه‌ی خود دست بکشید و عقاید فرقه‌ی دیگر را قبول کنید؛ اما به همه‌ی مسلمین می‌گوییم در میان ما موارد مشترک، بیشتر و مهم‌تر و اساسی‌تر از موارد اختلاف است، دشمنان ما روی موارد اختلاف تکیه می‌کنند؛ ما برعکس باید مواضع مشترک را تقویت کنیم(12).

*ما به همه می‌گوییم که احترام یکدیگر را حفظ بکنند و به عقاید و مقدسات هم اهانت نکنند. اگر کسی به بهانه‌ای عقیده‌ای بخواهد به مقدسات دیگران اهانت بکند، از نظر ما به هیچ وجه قابل دفاع نیست. محبت، طرفینی است. بایستی همه با هم کمک کنند تا محبت به وجود آید و دشمن نتواند سوءاستفاده کند؛ دشمنی که نه با شیعه رابطه‌ی خوبی دارد و نه با سنی، بلکه با اصل اسلام مخالف است و نسبت به آن کینه می‌ورزد(13).

*البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست(14).

* اگر ما می‌گوییم که شیعه و سنی در کنار هم قرار بگیرند، یعنی شیعه، شیعه بماند؛ سنی هم سنی بماند. ما چه موقع به عالم تسنن گفته‌ایم که منظورمان از وحدت این است که شما شیعه بشوید؟! ما چنی نچیزی نگفته‌ایم. هر کس خواست شیعه بشود، از طریق علمی و از راه مباحثات عالمانه شیعه بشود. آنها هم آزادند که بروند کار خودشان را بکنند. ما نمی‌گوییم شما مذهبت را عوض کن؛ ما می‌گوییم شیعه و سنی باید همیشه سرعقل باشند؛ همچنان که بحمدا در دوران انقلاب اسلامی، در کشور ما مشاهده شد، نگذارند دشمن از اختلافات اینها سوءاستفاده کند. برگزاری هفته‌ی وحدت برای این است(15).

*ما نه می‌خواهیم بگوییم که شیعه، سنی شود؛ یا سنی شیعه شود و نه می‌خواهیم بگوییم که شیعه و سنی به قدر توان و مقدورات خودشان، برای تحکیم عقاید خودشان کار عملی نکنند. اتفاقاً کار علمی، بسیار خوب است و هیچ اشکالی ندارد. کتابهای علمی بنویسند؛ در محیط‌های علمی، نه در محیط‌های غیرعلمی، آن هم با لحن‌های بد و غلط، بنابراین، اگر کسی می‌تواند منطق خود را ثابت کند، ما جلو کار او را نباید بگیریم (16).

*قصد ما از ایجاد این دفتر، این نیست که ما برویم سنی بلوچستان را شیعه کنیم؛ اصلا این جزو مقاصد ما نیست (17).

آیا شعار وحدت و اصرار بر آن، یک مسأله‌ی احساساتی است؟

*اینکه امام این قدر روی مساله‌ی «وحدت» تکیه می‌کردند، برای این است که این، یک مساله‌ی احساساتی نیست. این یک مساله‌ی عقلانی است. هر کس به مقدسات آن فرقه‌ی دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه‌ی دیگر برخورد کند، به هر اندازه که برد کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که می‌خواهد باشد (18).

هردوگانگی و اختلافی، به معنای دعوا نیست

*البته اتحاد و یگانگی و وحدت کلمه، شرط اصلی است؛ چه از لحاظ ملیتی یعنی برداشتن این ناسیونالیسم‌ها و ملت‌گرایی‌ها، عرب و عجم و ترک و فارس و بقیه‌ی این قومیت‌ها و ملیت‌ها در سطح

جهان اسلام چه از لحاظ مذهبی، که شیعه و سنی و فرق گوناگون اهل تسنن و شیعه، باید اختلافات را کنار بگذارند و با هماهنگی و با تکیه بر نقاط مشترک، آن خواست معنوی را تأمین کنند. البته اشکالی ندارد که نقاط مختلف‌فیه هم باشد. هر دوگانگی و اختلافی، به معنای دعوا که نیست. یکی از یک فقه و دیگری از فقه دیگر، یکی از یک مذاق کلامی و دیگری از یک مذاق دیگر تبیعیت می‌کند. امروز که دیگر روزی نیست که مذاق‌های کلامی، مثل جنگ‌های اشاعره و معتزله در دوران خلاقیت بین‌عباس یا بقیه‌ی جنگ‌های فرقه‌ای و مسلکی در اسلام، یا شیعه و سنی و یا مذاق‌های کلامی گوناگون، باز به جان هم بیافتند. باید هم در محدوده‌های بزرگ و هم در محدوده‌های کوچکتر داخل کشور، داخل استانها، داخل شهرها با هم یکی باشند(19).

مفهوم اتحاد مسلمین

1-همدلی و همدستی و همکاری و همفکری مسلمانان در مقابله با دشمنان اسلام

۲۲- سعی فرق گوناگون مسلمین در ایجاد تفاهم و نزدیک شدن به یکدیگر

*ما در مساله‌ی وحدت، جدی هستیم. ما اتحاد مسلمین را هم معنا کرده‌ایم. اتخاذ مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرق گوناگون از عقاید خاص کلام و فقهی خوشدان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود؛ اول اینکه فرق گوناگون اسلامی (فرق سنی و فرق شیعه) ـ که هر کدام فرق مختلف کلامی و فقهی دارند ـ حقیقتاً در مقابلا به دشمن اسلام، همدلی و همدستی و همکاری و همفکری کنند. دوم اینکه فرق گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوای فقها و علما هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوای دو مذهب به هم نزدیک شود(۲۰).

۳- احساس برادری

* سالها پیش از انقلاب که به بعضی از برادران اهل سنت صحبت می‌کردم، به آنها می‌گفتم که اگر ما بخواهیم وحدت اسلامی تحقق پیدا بکند، باید خودمان را از گذشته جدا و قیچی کنیم. البته، وحدت یعنی همین که پیروان این دو مذهب با هم برادر باشند و احساس برادری کنند؛ نه اینکه شیعه، سنی و سنی، شیعه بشود. نه، مراد از وحدت این نیست؛ بلکه وحدت به معنای احساس برادری است و همین که هر طرفی احساس کند که دیگر هم مسلمان است و حق اسلامی او را بر گردن خود احساس کند و متقابلاً او هم به

همین ترتیب عمل کند. من می‌گفتم که اگر بخواهیم این کار را بکنیم، باید خودمان را از گذشته جدا کنیم. اگر به گذشته برگردیم، دعواست. این قدر بحث و تکذیب و تغلیط و درگیری و خونریزی و این طور چیزها اتفاق افتاده که اگر نگاهی به گذشته بکنیم، باز دعوا خواهد شد (۲۱).

۴- همدلی و ایجاد روابط حسنه و دوستانه بین شیعه و سنی

*ما باید درست نقطه‌ی مقابل عمل کنیم. هر کس چه در محیط سنی و چه در محیط شیعه به همدلی و ارتباطات حسنه و دوستانه بین شیعه و سنی کمک کند، او به نفع انقلاب و اسلام و هدف‌های امت اسلامی کار کرده است. هر کس هم سعی در جدایی کند، درست نقطه‌ی مقابل آن حرکت کرده است(۲۲).

۵- نزدیک کردن دل‌های مسلمین و گردآوردن آنان زیر پرچم توحید

*رسالت و پیام و وظیفه‌ی الهی ما این است که در مقابل آنچه استعمار انجام داد، حرکت کنیم؛ یعنی دل‌های مسلمین را در سطح جهان به هم نزدیک کنیم و آنها را زیر پرچم توحید و اسلام گرد آوریم(۲۲).

۶- اتخاذ قلبی بین اهل سنت و شیعه

*من در بلوچستان ـ سال‌های قبل از انقلاب هنگامی که آنجا تبعید بودم ـ به مرحوم مولوی شهداد (از علمای معروف بلوچستان بود که آقایان بلوچ ایشان را می‌شناسند؛ مرد فاضلی بود. آن زمان ایشان در سراوان بود و ما در ایرانشهر بودیم) پیغام فرستادم که بیایید فرصتی است بنشینیم و مبانی یک اتحاد عملی، حقیقی و واقعی قلبی بین اهل سنت و شیعه به وجود آوریم. ایشان هم متقابلاً از این قضیه استقبال کرد (۲۳).

* ما که مسلمان هستیم، باید حواسمان جمع باشد. ما باید بفهمیم که پول نفت فلان کشوری که به نوکری آمریکا و غرب، در میان ملتهای مسلمان شناخته شده و روسیاه است و به استکبار وابستگی دارد، اگر صرف انتشار کتابی در رد تشیع شد، محض رضای خدا و علاقه‌ی به تسنن نیست و غرض خبیثی را دنبال می‌کند. عکس قضیه هم صادق است. اگر دیدیم عواملی در جامعه‌ی شیعی، مشغول تحریک و برانگیختن حساسیت نسبت به برادران اهل سنت یا مقدسات آنها هستند، اگر حمل بر کج‌سلیقگی و بدفهمی نکنیم، باید بدانیم که قطعا دست دشمن است. دشمن، از کجی سلیقه نیز بیشترین استفاده را می‌کند. لذا امروز، اتحاد مسلمین و صفای دل برادران مسلمان با یکدیگر، شرط اصلی اعلای کلمه اسلام است(۲۴).

۷ - تکیه بر نقاط مشترک

* یکی از اصول اسلام، وحدت مسلمین و اخوت اسلامی است. «واعتصموا بحبل‌ا*». نقاط مشترک را هم باید چسبید(۲۵).

*هم در دوران بعد از پیروزی انقلاب و هم پیش از پیروزی انقلاب، همیشه عقیده‌ی من بر این بود که امروز شیعه و سنی باید اختلافات دیرین خود را در تعامل روزمره‌ی خودشان کنار بگذارند. جنگ و دعوا را کنار بگذارند و مشترکات خود را بچسبند؛ امروز هم عقیده‌ام همین است(۲۶).

۸- تقویت مواضع مشترک

* در ابتدا باید معلوم کنیم که مقصود ما از وحدت مسلمانان چیست؟ آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل کنند؟ نه، مقصود این نیست. ما وقتی به وحدت دعوت می‌کنیم، مقصود ما این نیست که فرق مسلمین ـ اعم از شیعه و سنی ـ یا فرقی که داخل تشیع و تسنن هستند، موظف و مجبورند که از عقیده‌ی خود دست بردارند و به عقیده‌ی سومی یا به عقیده‌ی طرف مقابل، گرایش پیدا کنند. این، چیزی است که به تحقیق و تفحص و مطالعه‌ی هر کسی وابسته است که می‌خواهیم به همه مسلمانان ـ از شیعه و سنی ـ بگوییم و تذکر بدهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید. در بعضی چیزها، هر دو فرقه روش خود را دارد. ما نمی‌گوییم که سنی‌های عالم بیایند شیعه بشوند، یا شیعه‌های عالم دست از عقیده‌شان بردارند. البته، اگر یک سنی یا هر کسی تحقیق و تفحص کرد، عقیده‌اش هر چه شد، باید برطبق عقیده و تحقیق خودش عمل کند. تکلیف او با خدایش است. حرف ما در هفته‌ی وحدت و به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنت نبی‌اکرم(ص) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل و بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد(۲۷).

شناخت وحدت از راه امور سلبی و نبایدها

۱-ممانعت علما و زبدگان از درگیری سطوح غیرعلمی

*اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است و مخصوص شیعه و سنی

هم نیست. بین فرق شیعه، خودشان؛ بین فرق سنی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن ـ مثل اشاعره و معتزله، مثل حنابله و احناف و شافعیه و اینها ـ هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین ـ مردم عامی ـ می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند. علما می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند؛ اما وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک‌ است. در دنیا این همیشه بوده؛ همیشه هم مومنین و خیرخواهان سعی می‌کردند که مانع بشوند؛ علما و زبدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح غیرعلمی کارشان به درگیری برسد(۲۸).

۲- عدم تحریک عصبیت‌ها

*یکی از چیزهایی که من بخصوص می‌خواهم تکیه کنم، مساله‌ی «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیت‌های بین‌المذاهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلا نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند(۲۹).

۳- عدم تحریک حساسیت‌ها و آشفته کردن طرف مقابل

* همه بدانند، این جور نباشد که کسی از یک گوشه‌ای خیال کند دارد از شیعه دفاع می‌کند و تصور کند دفاع از شیعه به این است که بتواند آتش دشمنی ضدشیعه و غیرشیعه را برانگیزد. این دفاع از شیعه نیست؛ این دفاع از ولایت نیست. اگر باطنش را بخواهید، این دفاع از آمریکاست؛ این دفاع از صهیونیست‌هاست(۳۰).

۴- عدم اهانت به مقدسات دیگر

* به آن شیعه‌ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض ـ این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان می‌شناسیم که فقط مساله‌شان مساله‌ی نادانی نیست، بلکه ماموریت دارند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند ـ به مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند، عرض می‌کنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است(۳۱).

* بسیاری از توانایی‌های با ارزش علمی و فکری مسلمین در طول تاریخ، صرف تعارض با یکدیگر شده است. اشتباه نشود؛ اگر کسی برای اثبات مذاهب خود تلاش علمی بکند، من آن را رد نمی‌کنم. همه شیعه، همه سنی، هم هر مومن به نحله‌ای، به عقیده‌یی و به طریقه‌ای، حق دارد طریقه‌ی خودش را اثبات کند. این، چیز دیگری است؛ ما آن را رد نمی‌کنیم. آنچه که ما رد می‌کنیم، تلاش برای معارضه، کوبیدن، اهانت کردن و نفی موجودیت طرف مقابل است؛ این غلط است(۳۲).

* هر کس به مقدسات آن فرقه‌ی دیگر اهانت کند، اگر با خشونت و اهانت با فرقه‌ی دیگر برخورد کند، به هر اندازه که برد کار او باشد، به این وحدت ضربه زده است؛ هر که می‌خواهد باشد(۳۳).

* هر کس دارای هر مذهبی است، به عقاید و ارزش‌های خود احترام می‌گذارد و این حق اوست. اما این احترام گذاشتن نباید با اهانت به ارزش‌های جمعیت دیگری همراه شود(۳۴).

* شیعه منطق قوی‌ای دارد؛ استدلال متکلمین شیعه و علمای شیعه درباره‌ی مباحث تشیع استدلال‌های پولادین و محکمی است؛ اما این ربطی ندارد به اینکه در دنیای تشیع شروع کنند به مخالفان خودشان بدگویی کردن،اهانت‌کردن و ایجاد دشمنی کردن(۳۵).

۵- عدم کارشکنی، به جان هم نیافتادن، با هم دشمنی نکردن

*بنده اطلاع نزدیک دارم که امروز در بعضی از کشورهای اسلامی که نمی‌خواهم از آنها اسمی بیاورم از صندوق‌هایی که مرتبط با اهداف و ایال بیگانگان است، پولهایی را می‌گذارند و صرف می‌کنند؛ مخصوص اینکه علیه شیعه، علیه عقاید شیعه و علیه تاریخ شیعه کتاب بنویسند و در دنیای اسلام پخش کنند! آیا انها به تسنن علاقه‌مندند؟ نه؛ آنها می‌خواهند نه شیعه باشد، نه سنی. نه با شیعه دوستند، نه با سنی؛ چون امروز در ایران حکومت اسلامی و پرچم اسلام را یک مجموعه‌ی شیعی در دست گرفته است و همه پایبندی ملت ایران را به تشیع می‌دانند، لذا اینها هر چه دشمنی با انقلاب هم دارند، بر سر شیعه خالی می‌کنند! با شیعه مبارزه می‌کنند، برای اینکه بگذارند حاکمیت سیاسی اسلام و این پرچم افتخار و عزت به جاهای دیگر سرایت کند و مورد جلب جوانان کشورهای دیگر شودف هیچ کس نباید به انی خیانت دشمنان کمک کند. نه در کشور ما، نه در محافل اسلامی، نه در مجموعه‌های شیعی، نه در کشور خودمان در بین برادران سنی، هیچ کس نباید کاری کند که به خواست استکبار که ایجاد نقار و دشمنی است کمک شود(۳۶).

محورهای وحدت:

۱-کتاب خدا، سنت نبی اکرم(ص)

* حرف ما در هفته‌ی وحدت و به عنوان پیام حدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یکدیگر دشمنی نکنند. محور هم کتاب خدا و سنت نبی‌اکرم(ص) و شریعت اسلامی باشد. این حرف، حرف بدی نیست. این حرف، حرفی است که هر عاقل بی‌غرض و منصفی، آن را قبول خواهد کرد(۳۷).

۲- وحدت، زیرنام نبی‌اکرم(ص)

*عزیزان من! مسلمانان دنیا، زیر نام نبی‌اکرم(ص)، راحت‌تر و سهل‌تر از همه چیز، می‌توانند متحد شوند. این‌، خصوصیت آن بزرگوار است(۳۸).

۳- کتاب واحد سنت واحد، قبله‌ی واحد، کعبه‌ی واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد

* امروز دشمن واحدی در مقابل ماست؛ علاوه بر اینکه کتاب واحد، سنت واحد، پیغمبر واحد، قبله‌ی واحد، کعبه‌ی واحد، حج واحد، عبادات واحد، اصول اعتقادی واحد در جامعه‌ی اسلامی است. البته اختلافاتی هم وجود دارد. اختلافات علمی ممکن است بین هر دو نفر عالم باشد. علاوه بر این‌ها، دشمن واحد در مقابل دنیای اسلام است(۳۹).

۴- معارف واحد، توحید واحد، نبوت واحد، نماز و روزه و حج واحد، دشمنان واحد،ل اهداف و منافع به هر گره‌خورده

* برداران مسلمان نگاه کنند ببینند اتحادشان بر چه مبنایی است؟ آیا یک حرف زبانی است، یا یک واقعیتی وجود دارد؟ خب، ما می‌بینیم معارفمان یکی است، توحیدمان یکی است، معادمان یکی است، نبوتمان یکی است، نماز و روزه‌مان یکی است، حجمان یکی است، دشمنانمان یکی هستند، اهداف و آرمانها و منافعمان به هم پیوسته و گره خورده است ـ ملت‌های مسلمان؛ چه شیعه، چه سنی ـ چطور می‌توانیم از هم جدا باشیم؟ دشمن می‌خواهد به زور این جنایت را بکند. لذا از روز اول، جمهوری اسلامی در کنار برادران فلسطینی خودش بوده است؛ این در حالی است که در فلسطین ـ آنطوری که من در ذهنم هست ـ یا اصلا شیعه وجود ندارد؛ یا اگر باشد، خیلی کم. برادران فلسطینی اینجا را مثل خانه‌ی خودشان

دانستند؛ تا الان هم همین جور است(۴۰).

مصادیق وحدت

۱-احساس حق اسلامی برادر مسلمان (اعم از شیعه و سنی) بر گردن خود

۲- رساندن هموطن مسلمان (اعم از شیعه و سنی) به حقوق حقه‌ی خود

۳- شرکت در نماز اهل سنت

*حاجی‌ای که در مسجدالحرام یا مسجد النبی، یا در بقیع، یا در زیارت شهدای احد و امثال این‌ها ـ در منا، در عرفات ـ رفتارش رفتار انسان مودب به آداب اسلامی است؛ رفتار انسانی است که مربای به تربیت قرآنی است؛ اهل خشوع است، اهل تواضع است، اهل محبت است، اهل اهانت به این و آن نیست، اهل جمع است، نه اهل تفرقه. اینقدر ما در روایات در ثواب شرکت در نماز جماعت اهل سنت در زمان ائمه(ع) داریم که روایت دارد که در مسجد الحرام پشت سر اینها نماز بخوانید، مثل اینکه پشت سر پیغمبر نماز خوانده‌اید. این معنایش چیست؟ معلوم است که امام صادق(ع) نماز ان امام جماعت را با نماز پیامبر مقایسه نمی‌کند. مقایسه با نماز یک پیروز خودش هم نمی‌کند، اما می‌گوید پشت سر او نماز بخوانید. این یعنی چه؟ این نمایش وحدت است. عملا وحدت را نشان بدهید. روی همین فکر بود که امام بزرگوار ما (که رضوان خدا بر او باد) ـ آن مرد بیدار، آگاه ـ به همه‌ی ماها، همه‌ی حاجی‌های ایرانی، توصیه کرد که در نماز جماعت‌ها در مسجدالحرام، در مسجدالنبی شرکت کنید؛ در این اجتماعات حضور داشته باشید، که یکی از مصادیقش این است(۴۱).

ارجاعات:

۱ـ ۶۸/۷/۱۹

2ـ 68/7/24

۳ـ ۶۸/۵/۱

4ـ 68/7/11

۵ـ ۶۸/۹/۲۷

6ـ 88/2/23

۶۸/۴/۴ _۷

81/12/4 _8

۸۱/۱۲/۴ _۹

85/10/25 _10

۸۸/۲/۲۳ _۱۱

68/4/4 _12

۶۸/۷/۱۹ _۱۳

68/7/19_14

۶۸/۱۰/۵ _۱۵

69/7/11_ 16

۷۹/۱/۶ _۱۷

70/8/26 _18

۷۲/۶/۴ _۱۹

69/2/22 _20

۶۸/۷/۲۴_۲۱

68/10/5 _22

۷۹/۱/۶ _۲۳

68/3/31 _24

۸۵/۱۰/۲۵ _۲۵

68/7/5 _26

۶۹/۸/۲۹ _۲۷

68/7/19 _28

۸۶/۴/۱۴ _۲۹

78/9/27 _30

۸۸/۲/۲۲ _۳۱

70/7/4 _32

۷۲/۶/۱۴ _۳۳

81/12/4 _34

۷۸/۹/۲۷ _۳۵

79/1/6 _36

۶۸/۷/۱۹ ـ۳۷

72/6/14 ـ38

۷۴/۵/۲۴ ـ۳۹

90/7/25 ـ40

۸۸/۸/۴ ـ۴۱